

#### خبر

### درگذشت مجری تلویزیون بر اثر کرونا



**بخش فرهنگی** – امیر نظری مجری کارشناس پزشکی تلویزیون، بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت.

به گزارش ایلنا، دکتر امیر نظری مجری کارشناس برنامه پزشکی «ضربان» که از شبکه سلامت پخش می‌شد، روز گذشته ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت. مرحوم امیر نظری، عضو پرتال مجریان شبکه سلامت بوده و با برنامه‌های «طلوع» و «پایان ناباروری» در شبکه چهار و «راديو سلامت» هم همکاری داشته است.

این مجری فقید به دلیل بیماری کرونا در بیمارستان بقیه الله تهران دار فانی را وداع گفت و پیکر وی امروز در آرامگاه شهرستان ابهر به خاک سپرده شد.



## فرانسه فیلم جدید با بازی شهاب حسینی را خرید



**بخش فرهنگی** – حق نمایش فیلم «هر روزی اکنون» با بازی شهاب حسینی به سه کشور فرانسه، لهستان و تایوان فروخته شد. به نقل از اسکرین، «هر روزی اکنون» اولین ساخته بلند حامی رمضان کارگردان ایرانی – فنلاندی که پیش از این در بخش نسل جشنواره فیلم برلین رونمایی شده و به زودی نیز در بخش رقابتی جشنواره جیفونی ایتالیا به روی پرده می رود، از سوی کمپانی «New Europe Film» به سه کشور فرانسه، لهستان و تایوان فروخته شد.

کمپانی «Urban Distribution» در فرانسه، «New Horizonz Association» در لهستان و «AVJET» در تایوان، حق نمایش این فیلم سینمایی را خریداری کرده اند.

این فیلم که با عنوان اصلی «اولین برف» نیز شناخته می شود، درباره زندگی پسرپچه‌ای ۱۳ ساله در یکی از روستاهای فنلاند است که زندگی اش با عدم پذیرش درخواست پناهندگی خانواده اش درگرونی می‌شود. شبنم قربانی، آران-سینا کشوری و کیمیا اسکندی دیگر بازیگران این فیلم هستند.

حامی رمضان پیش این در زمینه ساخت فیلم کوتاه فعال بود و در سال ۲۰۱۵ با فیلم کوتاه «گوش کن» در بخش دو هفته کارگردانان جشنواره کن حضور داشت.



## پیشنهاد ۹ میلیارد دلاری «آمازون» برای خرید یک کمپانی

**بخش فرهنگی** – آمازون در تلاش است استودیو بزرگ و معروف فیلمسازی مترو گلدن مایر (MGM) را با هزینه ۹ میلیارد دلاری خریداری کند.

به نقل از وریایتی، صحبت های پیرامون تلاش چند کمپانی بزرگ از جمله آمازون برای خرید کمپانی «MGM» چندی پیش مطرح شده بود اما منابع هالیوودی تأیید کرده اند علاقه آمازون برای خرید این استودیو وارد مرحله جدیدی شده و هزینه ۷ تا ۱۰ میلیارد دلاری را برای این کار در نظر گرفته است.

مدیران کمپانی «MGM» که از اواخر سال گذشته مشغول یافتن یک خریدار هستند، در حال بررسی پیشنهادات است و گفته می شود قیمت ۹ میلیارد دلاری را برای این استودیو بزرگ و قدیمی فیلمسازی در نظر گرفته اند در حالی که برخی دیگر قیمت آن را ۵ میلیارد دلار اعلام کرده اند.

آمازون در حال حاضر دارای بیش از ۲۰۰ میلیون عضو پرایم از سراسر جهان است و در سال گذشته ۱۷۵ میلیون نفر از این اعزاء از محتوای نمایش آنلاین استفاده کرده اند و این کمپانی در تلاش است با خرید مجموعه بزرگ فیلم ها و سریال های کمپانی «MGM»، این بخش از فعالیت خود را توسعه دهد.

«مترو گلدن مایر» (MGM) مدعی است یکی از بزرگترین مجموعه های فیلم و سریال را در جهان در اختیار دارد و در فهرست ۴ هزار فیلم این استودیو، سری فیلم هایی معروفی چون «جیمز باند»، «هابیت»، «راکی»، «روبوکاپ» و «پلنگ صورتی» در کنار فیلم هایی چون «سکوت بره ها»، «هفت شگفت انگیز» و «چهار عروسی و یک تدفین» دیده می شود.

همچنین این استودیو حق پخش ۱۷ هزار قسمت از مجموعه های تلویزیونی از جمله «وایکینگ ها»، «فارگو»، «قصه ندیمه»، «شهرت»، «کلادیاپاتورهای آمریکایی»، «استارگیت و … را در اختیار دارد. بخش رسانه و سرگرمی تنها بخشی کوچک از امپراتوری بزرگ آمازون است و این کمپانی در سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار برای خرید فیلم، سریال و موسیقی برای سرویس های پرایم و نمایش آنلاین خود هزینه کرده است که ۴۰ درصد از سال گذشته آن بیشتر است.

## {فرهنگ و هنر }

جامعه‌شناسی شعر معاصر ایران در گفت‌وگو با محمود معتقدی:

# شعر این‌روزها جلوتر از ادبیات داستانی حرکت می‌کند

فرهنگی سهم بزرگی دارد.

به یقین بازتولید تأثیرات اجتماعی در کار نویسنده و هنرمند خود نوعی توجه به ساختار زیستی و خم شدن به درون زندگی و توجه به حواشی نام‌ها و سرگذشت‌ها (عاشقی‌ها، شکست‌ها و بسیاری از وقایع زندگانی) در کار شاعران این روزگار است، چراکه هنر بی‌آن که ادعایی در حوزه‌های حسی داشته باشد مصلح اجتماعی قلمداد نمی‌شود اما یادمان باشد همانا منظر پیام‌ها و نشان دادن ارزش‌ها از درون نگرش هستی‌شناسانه را همواره به چالش می‌کشد

و به عبارتی می‌کوشد درون خفته هر مخاطبی را بیدار کند، بی‌گمان شناخت هنری از تلفیق جامعه‌شناختی با ادبیات، شعر ما را در نقد و نظر، داوری‌ها و رسیدن به لذت هنری و باور مندی به ارزش‌های جامعه‌شناسانه که به گونه‌ای دودین و دیدن پیوسته است، یاری می‌رساند.

♦ **درگذشت نسل شاعران پیش از انقلاب در تحولات کیفی و محتوایی شعر امروز چقدر موثر بوده‌است و شما چه تفاوت‌های مهمی میان شاعران پیش از انقلاب و شاعران نسل جدید می‌بینید؟**

حضور شاعران در مقاطع تاریخی و جغرافیایی در هر عصر و زمانه‌ای با توجه به پیشینه و تأثیرآثارشان در قلمروهای فرهنگی همواره پدیده‌های اجتماعی را در پی دارد، چراکه اینگونه تأثیرپذیری و همدلی و هم سخنی نسبت به گروه‌ها و مخاطبان خاص، امری ماندگار و محل داوری‌های عاطفی فراوانی بوده است. برای مثال حضور و گستردگی آثار شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی، مولانا، خیام، فردوسی و مانند ایشان که خود میراث فرهنگی ماندگاری را در آثارشان بر دوش دارند بی‌گمان به خاطر همنوایی با تأثیر چنان متونی که جاودانگی را در گذر زمانه از آن خود کرده و در برابر حوادث روزگاران از حیات فرهنگی زبان فارسی پیوسته پاسداری نموده‌اند باید گفت که بر همین قیاس در خصوص برخی شاعران معاصر نیز می‌توان اینگونه داوری کرد. در دهه‌های اخیر هم می‌توان

از چهره‌های بزرگی در عرصه شعر از نیما، شاملو، اخوان، فروغ، سپهری، آتشی و دیگریان چون ایشان و تأثیر نوشته‌هایشان به درستی و به گونه‌ی زیبا شناسانه یاد کرد. بی‌شک نبودن یا عدم حضورشان در روزگار امروز خسران بزرگی را در پی دارد اما عمق آثارشان همواره با ماست.

از سوی دیگر کیفیت دستاوردهای شاعران بنام پیشین در شیوه‌های خاص خود گاه در پاسداری از زبان و ادبیات فارسی در اوج و یا در میانه بوده است. این یادآوری به ما می‌آموزد شاعران جوان امروز نیز باید از یافته‌ها و تأثیرات شاعران برتر زمانه همواره بیاموزند و در هدایت شکل و محتوا و دیگر کیفیت‌های بیانی گام‌های اساسی‌تری بردارند، ضمن اینکه در این سال‌ها در اینجا و آنجا به جز چهره‌های معدودی کارهای درخشان کمتری از آنان دیده می‌شود چراکه ذوق، دانستگی و تجربه در نسل‌های تازه، نیازمند پالایش است و نیز آنکه شاعران جوان باید به گونه‌ای فرزند زمانه خود باشند و در بهره‌مندی از پشتوانه‌های فرهنگی پیشینیان سهم کوشایی ببرند. بی‌شک رابطه معنوی میان رفعتان و اندگان و آیندگان در قلمرو شعر همین فراوانی دارد. گفتنی است که سیر حوادث از منظر جامعه‌شناختی در کنار ادبیات در تغییر و نوآوری برای نشلن دادن تفاوت‌ها و تناسب‌ها امر مهمی‌ست.

♦ **نظر شما نسبت به نوع نگاه، پختگی و میزان سواد شاعران امروز چگونه است و گمان می‌کنید این شاعران چقدر توانایی برای تأثیر بر تحولات اجتماعی داشته باشند؟**

بی‌گمان میزان دانش شعری به دریافت‌های هنری و ادبی برای اهالی شعر از جمله شاعران این روزگار برای رسیدن به ذهن و زبانی پخته و مدرن و رسیدن به نگرش‌هایی جامعه‌شناسانه در نشان دادن گستره‌های زیست و زندگی در شرایط امروز، خود چراغ روشنی است برای توانمندی در کار شعر و شاعری. از سوی دیگر برای دستیابی به حضور و جذب مخاطبان شعر باید در کوران تحولات و تغییرات فرهنگی و اجتماعی روزگار خود بوده باشند چراکه شاعران و به ویژه شاعران جوان در حوزه شناخت عرصه هنری و راه رسیدن به زبان و نگرش تازه‌تر، ناگزیر از مطالعه متن‌ها و آثار پیشرو و آشنایی و کشف تجربه‌های دیگری هستند. توجه به سلیقه و نیز کارکردهای حوزه‌های گوناگون در این روزها ریسک بزرگی در پی دارد چراکه مقوله‌ی بیداری و دانستگی شاعر میان مرزهای جنون و عقلانیت و بها دادن به نگرش عاطفی نسبت به زبان و پیام‌های شاعرانگی از ابزارهای لازم مهارت ودانستگی به حساب می‌آید. بی‌شک هر شاعری در این زمانه یک صدای تازه و شنیدنی است اما پرسش این است که به راستی چرا وچگونه شعر اتفاق می‌افتد؟ به عبارتی شعر یک گفت‌مان دیگری است که با همه‌ی زاویه‌بندی‌هایش و تحت تأثیر نگرش اجتماعی از یک سو و توجه به ساختارهای شعری از سوی دیگر به نوعی، تکلیف همسویی این دو را روشن و برای اتفاق‌های شعری مهیا می‌کند. افزوده اینکه توانمندی شاعرانه در سایه‌ی تجربه‌ها و در پیوند با مطالعه متن‌های هنری و ادبی خود فرصت به هنگامی به متن‌های شاعرانه می‌بخشد و بی‌گمان ذوق و آگاهی و درک شرایط روزگار هر کدام خود ظرفیت‌هایی هستند که شاعران جوان را برای رسیدن به پیام‌های شاعرانه و آشنایی با نخله‌ها و نظریه‌پردازی‌ها یاری داده و یک امکان بزرگ فرهنگی شمرده می‌شوند.

**گفتگو: الهام باباخانی**

پاسخ به این پرسش که آنهم بر اساس تحولات و تغییرات در حوزه‌های فرم و محتوای در امر پذیرش جامعه‌فرهنگی است در سوال نخست تا حدودی وجود دارد، اما به این نکته اساسی نیز باید توجه داشت که در دوره جریان‌های هنری و فرهنگی باتوجه به دگرگونی‌ها، ارزش‌ها و دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی در صورت‌بندی به توسعه‌های فرهنگی و هویتی، به ویژه در پیوند با شعر، جایگاه زبان و قالب‌های شعر در هدایت فرم و محتوا و نیز ظهور حضورهای شعری (چنانکه



در دهه ۴۰ این مهم جدی‌تر بوده است) از جمله شناختنامه و مانیفست‌هایی همچون: شعر نو، شعر نیمایی، شعر حجم، شعر دیگر، شعر مدرن، شعر تصویری، شعر کانکریت و در این روزها هم شعر پست مدرن (و دیگر انواع شعر) همچنین تحولات در قالب‌های موسیقاییی زبان تغزل در شعرهای کلاسیک به ویژه غزل فرم است. از پی چنین تحولاتی در چند دهه‌ی اخیر می‌توان گفت که مثلث شعر، شاعر و مخاطب همچنان در حال تغییر بوده و هست و این دگرگونی‌ها و سلیقه‌ها بی‌شک بر بنیاد نوعی خاستگاه اجتماعی که میلی به تحول و شناخت نیازهای فرهنگی و اجتماعی دارد، است.

با این وصف هنر و ادبیات پیوسته با روح زنده‌ای همراه بوده‌اند و نیازمند به نگرش، انتخاب زبان و منظر تازه‌تری هستند، پس معاصر بودن و آگاه بودن نویسنده و هنرمند در گذر زمان یک واجب عینی است و جامعه‌ی زنده در هر روزگار نمی‌تواند با این حوزه‌ها بیگانه باشد. چنین بوده است که از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تاکنون، جامعه فرهنگی ما در پیوند با ارزش‌های مدرن و گستره‌های همراهی با نگرش‌های سنتی نیازمند به دانش و ارزش‌های مدرن جهانی است. البته در این میانه نرُم لازم اما اعتدال در بیان و به کارگیری هدف درست، ارزش‌های تازه و مدرن را با خود خواهد داشت. متأسفانه در شرایط اینجا و اکنون و به ویژه کارکرد در فضاهای مجازی، آفت شرایط اقتصادی و پخش متون ادبی به ویژه شعر امروز، ما با افت وخیزهای فراوانی روبرو هستیم.

♦ **سیر تغییر محتوا، کیفیت و تأثیر شعر از دهه‌ی ۶۰ تا امروز را چگونه می‌بینید؟**

شکی نیست که از پی تأثیر و تحولات اجتماعی، نگرش‌ها و نوآوری‌های فرهنگی و نیز توجه به وقایع و حوادث جاری در حوزه‌های انتخاب و تفکرورزی و شناخت دیگر عناصر به پیوندهای اجتماعی و هنر و ادبیات، فرصت مهمی در اختیار هنرمندان و نویسندگان قرار می‌گیرد. در این میان شیوه‌های بیانی و جایگاه زبانی و تأثیر از گذشته‌های فرهنگی چون ابزاری برای نشان دادن امر نشانه‌شناسی در شعر حرف اول را می‌زند. شاید بتوان گفت رابطه و تأثیر شکل و محتوا بر زبان سرایش شعر مقوله بحث برانگیزی است چراکه در گذشته همواره محتوا جلوتر از فرم دیده می‌شد، اما در این سال‌ها فرم‌گرایی جایگاه برجسته‌تری یافته است. دریافت سلیقه‌های بیانی و انتخاب جایگاه شعری در میان شاعران و مخاطبان امروز با پست و بلندی‌های آسیب شناسانه فراوانی همراه بوده و هست. البته نو آوری و رویکرد بیانی از یکسو، ادبیت و شعریت نیز از سوی دیگر، ضمن آن که یک امر سلیقه‌ای و کمی هم نوآورانه به حساب می‌آید اما هر دو سو (فرم و محتوا) در دهه‌های اخیر با افراط و تفریط‌های آسیب‌پذیری همراه بوده و هست؛ به ویژه شاهدیم اساتیدی در کلاس‌های آموزشی خود می‌کوشند دانش سلیقه‌های شعری خود را به شاگردانشان دیکته کنند که در این میان شبانزدگی و تقلید از یکدیگر نیز مشهود است. خاطر نشان می‌شود که فضاهای مجازی هم به این شکل از نگرش پست مدرنیستی دامن زده است و با این همه نمی‌توان منکر نوآوری و تجددخواهی در حوزه ادبیات بود، اما یادمان نرود که هر حرکت اصولی ارزش‌های ماندگاری با خود دارد که بی‌گمان در این کارزار جایگاه نظریه‌های جامعه‌شناختی و بهره‌مندی شاعر از سفره‌های بومی و اجتماعی در بازتاب مسایل و مطالبات وقایع

**یادداشتی برای کتاب «رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی»**

## کتاب میرافضلی مهم‌ترین اثر در حوزهٔ خیام‌پژوهی است

نمی‌خورد تا به فروش برسد و بعد هم دیگر تجدید چاپ نشود. این همه، این همه، این همه کتاب دربارهٔ حافظ نوشته‌ایم و هنوز نمی‌دانیم مثلا غزل «ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است» از حافظ نیست. خب هرچه دربارهٔ این غزل گفته‌ایم و از آن دربارهٔ خواجه شیراز نتیجه گرفته‌ایم کشک است. (اتفاقا همین غزل را هم اول بار جناب میرافضلی کشف کرد که از حافظ نیست.) به همین ترتیب سعدی و فردوسی و دیگر شعرا.

ولی خیام فرق دیگری هم با اکثر شعرا دارد؛ گویا اصلا دیوان شعری نداشته که بخواهیم با روش‌های علمی «تصحیح متن» اصل گفتهٔ او را بیابیم. میرافضلی سال‌هاست در بین کتاب‌ها و نسخه‌های خطی‌ای که بسیاری از آنها هنوز منتشر نشده، دارد می‌گردد بلکه ردّی از خیّام و اشعار او بیابد و دریابد که کدام‌یک از این اشعار اصیل است و کدام از دیگران است. برای اینکه موضوع کمی روشن‌تر شود عرض می‌کنم که: خیام در اصل اساسا شاعر به معنای رایج آن نبوده. گه‌گذاری شعرهایی برای دل خودش می‌گفته و گوشه‌ای یادداشت می‌کرده و احياناً برای بعضی دوستان اهل، می‌خوانده. احتمالا به دو دلیل از نشر گستردهٔ اشعارش پرهیز داشته: یکی این که او حکیم و فیلسوف و ریاضی‌دانی بوده که اشتها بر شاعری را دون شأن خود می‌دانسته و دوم این که، اگر در بعضی سروده‌های او ریز می‌شدند، می‌شد ردّ پای کفر و الحاد و «شل‌دینی» را در آنها یافت. اتفاقا قدیم‌ترین منابعی هم که اشعار او در آنها آمده، به نیتِ سرکوفت زدن به شاعر و جواب دادن به «کفریات» او بوده. به مرور و بر اساس قاعدهٔ «الانسانُ حریصُ علی ما مُنع» (انسان وقتی از چیزی منع شد بدان مشتاق می‌شود) تازه مخاطبان

**بخش فرهنگی** – معتقدی اعتقاد دارد که مثلث شعر، شاعر و مخاطب همچنان در حال تغییر بوده و هست و این دگرگونی‌ها و سلیقه‌ها بی‌شک بر بنیاد نوعی خاستگاه اجتماعی که میلی به تحول و شناخت نیازهای فرهنگی و اجتماعی دارد، است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «محمود معتقدی» چهره‌ی آشنای شعر و نقد ادبی با ۲۵ عنوان کتاب، همواره یکی از گزینه‌های مورد توجه برای رجوع و نظرخواهی

در این حوزه بوده است. از این‌رو برای نقیبی اجمالی بر موضوع «جامعه‌شناسی شعر معاصر ایران» و پرداختن به چون و چرای تأثیر متقابل شعر و تحولات اجتماعی کشورمان طی ۵۰ سال گذشته با وی گفتگو کردیم.

♦ **آنچه پیداست شعر گسترش و فراگیری بسیار بیشتری نسبت به داستان در جامعه دارد، تا آنجا که برخی تحولات تاریخی را با شعر خاصی به یاد آورده یا از آن سخن می‌گویند، نظر شما چیست؟**

قبل از هر چیز، باید گفت رابطه «جامعه‌شناسی» و ادبیات و به ویژه «شعر»، خود زمینه‌ساز چشم‌انداز تحلیل و تأثیر متقابل این بینامتنیت در قلمرو نقد و نظر در هر عصر و روزگاری می‌تواند باشد و ویژگی‌ها و پیام‌های خاص اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زمانه خودش را فراهم کرده و موجبات تأثیرپذیری متقابل را به دست دهد. البته بهتر است با اشاره به نکاتی در این زمینه یادآور تحولات و تغییرات و مطالبات اجتماعی مخاطبان این پدیده فرهنگی را در نظر داشته باشیم.

آنچه در دهه‌های اخیر و با دلایل فراوان در عرصه هنر و ادبیات اتفاق افتاده است، به زیر ساخت‌هایی برمی‌گردد که در پیوند است با ادبیات عصر مشروطیت تا به امروز. مضاف بر اینکه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که به گونه‌ای عصر طلایی

تحولات اجتماعی و فرهنگی بوده است ما شاهد تحولات و نو آوری‌های فراوانی در چشم‌انداز هنر و ادبیات به ویژه در حوزه شعر بوده و دیدهایم که مدام در این زمینه صداهای تازه‌ای برپالیده‌اند و از پی آن در عرصه‌ی ادبی به بهره‌گیری از دستاوردهای آرایه‌های درونی و بیرونی در قلمرو تصویرگرایی، خیال‌انگیزی و بهره‌گیری از ساختارهای زبانی و غیره رسیده‌اند. دست آخر نیز تأثیر حضور از وقایع و حوادث اجتماعی این روزگار در توجه به چشم‌انداز مختصات ذهنی و زبانی و همچنین انتخاب و پیشنهاد قالب‌های شعری تازه در همنوایی با نخله‌های شعری ساختمانمد کار کرد داشته و با اشاره به فضاهای جامعه‌شناختی، در حوزه آموزش و پرورش استعدادهای شعری در میان شاعران جوان محل داوری بوده است. همچنین در بهره‌گیری از فرصت‌ها و تغییرات، تجددخواهی شاعران از یکسو و حضور مخاطبان و توسعه فرهنگی از سوی دیگر تأثیرات زیادی با خود داشته و دارد.

در ادامه این مقدمه می‌توان گفت: از پی روند تحولات اجتماعی و فرهنگی اگر مبنای تحولات هنری و ادبی را با این نوع تجددگرایی در حوزه شعر امروز با توجه به عصر جدید، از فضای شعر کنونی که با پشتوانه‌های فرهنگی فراوانی از گذشته‌ها و نیز تأثیر فرهنگ ممالک دیگر است در نظر بگیریم شاید بتوان گفت روزگار نشانه‌ی تغییرات در ادبیات هنر از میانه قرن ۱۹ و تمام قرن ۲۰ میلادی، حکایت از نقش تحولات اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی دارد. بنابراین آنچه در این دهه‌ها اتفاق افتاده همانا شناخت عناصر و دستاوردهای سیاسی و فرهنگی و بکارگیری آن در عرصه‌های ادبی به ویژه ادبیات و گستره‌های شعری و قدمت روزگاران شاعرانگی در مقاطع مختلف تاریخی است که سبب شده تا شعر و توجه به زبان فارسی، جلوتر از ادبیات داستانی مخاطبان فراوانی داشته باشد. اما از منظر داستان‌نویسی نیز می‌توان گفت که این فاصله به تدریج کمتر شده چراکه جذابیت‌های موضوعی و زبانی در داستان‌نویسی طی سال‌های اخیر، جلوتر از شعر بوده و هست که این امر بیشتر به جایگاه ترجمه‌ی متن‌های ادبی و آشنایی جدی‌تر با ادبیات مغرب زمین برمی‌گردد. از سوی دیگر، روابط فرهنگی و مهاجرت‌ها، هر کدام در توسعه ادبیات و هنر به ویژه داستان‌نویسی با تحولات بنیادی‌تری همراه بوده است. بی‌گمان عرصه‌های اندیشه‌ورزی و چشم‌اندازهای خلاقیت در فضای هنری و ادبی در همه‌ی این سال‌ها خود فرصتی بوده برای درک و شناخت روزآمد بودن ادبیات و بهره‌گیری از همه‌ی زاویه‌ها و ظرفیت‌های جاری که البته توجه شاعر و هنرمند به امر تغییر و تحولات جهانی بومی به ویژه مقوله شهرنشینی را درپی داشته است. نهایت اینکه با توجه به شرایط پیش آمده‌ی امروزی در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی و متأسفانه بیماری کرونا در این روزگار، دنیای هنر و ادبیات با مکتب‌های فراوانی روبرو گردیده است. باشد تا از این رهگذر در چشم‌انداز هنر و ادب ما شاهد دستاوردهای تازه‌تری باشیم و به تبع آن، گستره شعر هم زنده‌تر از هر زمان دیگر با تمام دشواری‌های پیش رویش گام‌های تازه‌تری در قلمرو اندیشه و شناخت بردارد.

♦ **تا چه اندازه شعر در سرعت و گسترش تحولات جامعه ما طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ موثر بوده و تا چه حد تحولات جامعه شکل و محتوای اشعار را به سمت و سوی خاصی کشانده است؟**